

6
Copy
AUG 1 1974
ISD
0272Y

Ketabton.com



د دولت رئیس اوصد را عظم

د مرکز قواؤ صا حېمنصبا نو ته په خطاب و فرمايل :

هغه وظيفه چه په مخکېني لړوله مشکلاتو نه خالي نده

زه يقين لرم کله چه د وطن صالح اولاد په دغې ټينگ اوخلل نه موندونکي ايمان او عقیده او حقيقي نصب العین سره دخپل مملکت او خلکو په گټه د مېراني ملاوتې زموږ گران هيواد په ددوی د مېراني وایمان په طاقت د ترقی او بری لاره ووهي.

که يوه ورځ ژوندی يامره يوبياهم د وطن په تاريخ کېږي دهغه وياړ به دهغو گسانوپه برخه وي چه په رښتيا سره يې وگړای شول ملي خدمتونه لکه څنگه چه د وطن له يوصالح اولاد سره ښايي سرته رسولی وي.

د دولت ښاغلی رئیس د خپلی وينا په پای کې داسې وفرمايل :

يوځل بيا دډبه له کومې د مرکز دقواؤ دمنصبدارانو او افرادودډيرو تودوا حساساتو او دمېراني له څرگندولو نه تشکر کوم اودلوی خدای له درباره تاسو ټولوته وطن ته دخدمت په لاره کې ډېری هيله کوم .

لداکاری او جان نثاری سره ستر خدمتونه سرته ورسول او بری يې لاس ته راوړپوره ډاډ او ايمان لرم چه بيا هم د وطن د پرمختگ او ټيکنرغی او دملی نواميسو دساتنی په لاره کېږي په له هېڅ ډول لداکاری او ايشارنه خان ونه ژغوری. او دلوی خدای په فضل به ددوی په برخه تل سر لوی او بری وي.

زه يقين لرم چه دافغانستان تاريخ هېڅکله دهغو خلکو دقېر ماني او ايشار ارزښت چه دخپل وطن دپاره له ټولو شيانونه تير شول نه هيروی.

دانقلاب لار ښودونکي خپلی وينا ته داسې دوام ورکړ.

زموږ وطنی وظيفی اوس نوی شروع شويدي اولمړنی گامونه مواخستې دي زموږ دخلمي اونوی نظام د استحکام او ټينگښت دپاره دوامداره کوښښ ، له خانه تيريدل، خالصانه ايشار او لداکاری او پرله پسې زيادايستل په کار دي.

په پای کېږي دانقلاب لار ښودونکي داسې وفرمايل :

محترمو دوستانو او ملگرو گرانو خلمايانو اودافغانستان دلداکاره اردو منصبدارانو. خلور دېرش کاله دمخه يو شمير قطعات د مرکز دقواؤ په نامه په مرکز کېږي تشکيل شول او دهغو دلمړني قو مانداني وياړماته وسپارل شو داوړدو کلو نو له تيريدو نه وروسته نن وينم چه دغه قطعات او هغه خلمايان چه هغوی يې وطن ته دخدمت اودگران افغانستان دعظمت اوسر لوی په لاره کېږي دورلي په ډيرمنظم شکل او په ډيره عالي روحیه زما په مخکېني ولاړ دی اوله دغې ناحیې نه ډيره خوښی احساسوم .

گرانو وروڼو! هغه وظيفه چه په مخکې لړوله مشکلاتو نه خالي نده.

لکه څنگه چه دافغانستان ستر اردو دجمهوريت دستر انقلاب په مرحله کېږي په

د دولت رئیس او صدراعظم ښاغلی محمد داؤد چهارشنبه دحمل ۷ په دريو بجو دنيا لگيو کيښتولو په مراسمو کېږي چه دمرکزي قول اردو دقو مانداني لغوا ددغې قومانداني دځمکې په ساحه کېږي ترتيب شوی وو برخه واخيسته .

پدغه مراسمو کېږي د صدارت مرستيال ډاکتر محمد حسن شوق دمرکزي کميټې غړی

دکابينې ځيني غړي، لوی درستيز ډگر جنرال عبدالکريم مستغني د جمهوري اردو اود مرکز

دقواؤ ستر منصبداران او افراد هم حاضر وو. دنيا لگيو کيښتولو مراسم دقرآن مجيد

دغو آيتونو دلوستلو نه وروسته دنېه راغلی

په هغې وينا سره چه دمرکزي قول اردو دقوماندان تور ن جنرال غلام حيدر رسولی لغوا وشوه پيل شول .

رئيس دولت و صدراعظم هيات انجمن تعليمات

عالي انجنيري را پذيرفتند

ښاغلی محمد داؤد رئيس دولت و صدراعظم ساعت چهارپد ازانپه دوشنبه حمل هيات انجمن تعليمات عالي انجنيري يونسکو حوزه آسيای مرکزی وجنوبي را در قصر گلخانه رياست جمهوری پذيرفتند.

ښاغلی رئيس دولت و صدراعظم همن صحبت با آنها گفتند افغانستان يك کشور روبانگشا ف بوده و مشکلات زياد دارد. ولي اطمینان داريم که به نیروی جوانان این کشور، قدرت، علم و دانش ، و مشوره هاوتبادل نظر با دانشمندان مما لك دوست این مشکلات را از بين خواهیم برد.

ښاغلی محمد داؤد از برگزاری کنفرانس انجمن تعليمات عالي انجنيري در افغانستان اظهار مسرت نموده علاوه کردند که اشتراك کنندگان کنفرانس مدت اقامت شان را در کشور ما بخوشی سپری نمایند.

ښاغلی رئيس دولت گفتند گرچه مادر مملکت خود چيز های زیادی نداريم که شما آنرا ببينيد ولي چيز يکه داريم واز روی اخلاص عرضه کرده ميتوانيم، صميميت و پاکی باطن ماست .

دراين موقع يکتن از اعضای کنفرانس به نمايندگی از ساير اشتراك کنندگان از مهمان نوازی های که از ایشان بعمل آمده است ابراز سپاسگزاری نموده گفت کشور های مانيز رو بانگشا ف بوده وپرايلم های زياد دارد و تأييد کرد. که مشوره ها وتبادل نظر در امر رفع مشکلات کشور های شان مفيد است.

در موقع پذيرفتن هيات انجمن تعليمات عالي انجنيري ښاغلی محمد اکبر رئيس دفتر جمهوری ، د نيس پو هنتون کابل ورئيس پوهنځی انجنيري نيز حاضر بودند.



ښاغلی محمد داؤد رئيس دولت و صدراعظم هنگام مصالحه با اعضای انجمن تعليمات عالي انجنيري .

در کنفرانس وزرای خارجه جامعه مذاکرات کیسنجر با دایان و هیأت سوریه چه نتیجه خواهد داد؟

نوشته کاظم :

مذاکرات کیسنجر با دایان و هیأت سوریه چه نتیجه خواهد داد؟

طی هفته ای که گذشت کنفرانس وزرای خارجه کشورهای عضو جامعه عرب در تونس بعد چهار روز بحث و مذاکرات روی مسایل مورد علاقه بروز هشتم حمل پیاپی رسید ، داکتر هنری کیسنجر وزیر خارجه ایالات متحده امریکا که مسافرت چهار روزه اش در مسکو به پایان رسیده و به واشنگتن بازگشت ، دینس عیلى وزیر مالیه انگلستان بودجه آنکشور را به پارلمان تقدیم نمود که گفته میشود نسبت به پیشنهاد اتی در زمینه از دیاد تکس شاید باز هم حکومت کارگر به مشکلاتی مواجه گردد همچنان در اخیر هفته مذکور انور السادات رئیس جمهوریت عربی مصر برای یک مسافرت سه روزه وارد یوگو سلاویا گردید و ضمن اشیای شده است که انور السادات بروز چهارشنبه آینده راز مهمی را با ارتباط به یکی از قوای بزرگ جهان افشامی سازد .

شوروی روی مسایل تقلیل سلاح امنیت اروپا ، مسایل شرق میانه و روابط دو جانبه به واشنگتن بازگشت . مدت کمی بعد از ورود به واشنگتن مذاکرات خود را در باره جدا ساختن قوا در جنبه گولان با موشی دایان وزیر دفاع اسرائیل آغاز نمود .

در کنفرانس وزرای خارجه جامعه عرب راجع به تحکیم مزید جهان مخصوصا راجع به صنعت اسلحه مذاکرات صورت گرفته و تصامیمی اتخاذ شد . به همین ترتیب درین کنفرانس فیصله شد که کنفرانس عالی سران عربی بعوض ماه اپریل در ماه سپتمبر صورت بگیرد و طوریکه بعضی از مبصرین گفته اند علت احتوای کنفرانس مذکور این است که در وضع فعلی که بین بعضی از کشور

عربستان سعودی ، اردن ، سوریه تونس و اتحادیه امارات عربی می باشد .

راجع به اینکه پیشنهاد ات اسرائیل و نتیجه مذاکرات کیسنجر و دایان مورد قبول سوریه قرار خواهد گرفت یا خیر جواب منفی معلوم میشود چه سوریه تخلیه کامل سر زمینهای خود را در قلمرو گولان تقاضا دارد یعنی تمام آنچه طی جنگ ماه میزان اشغال شده و تمام مساحتی که در جنگ ۱۹۶۷ اشغال گردیده است . اما در پیش نهاد اسرائیل مسلمان این تقاضا مدنظر گرفته نشده است . البته یک راه باقی میماند و آن این است که کیسنجر و ایالات متحد امریکا دایان و اسرائیل را مجبور سازد به تقاضای سوریه جواب مثبت بگوید البته آرزوی اعراب هم همین خواهد بود چه آنها در قبال رفع مقاطعه نفت در برابر امریکا همین آرزو را دارند . طبعاً وقتی اسرائیل حاضر شود تمام سر زمینهای اشغالی سوریه را در محاذ گولان تخلیه نماید در آنصورت شرایط دیگر آن یعنی مبادله اسرا و تشکیل منطقه حایل قدم دومی بحساب می آید .

مذاکرات واشنگتن بین کیسنجر و دایان و بین کیسنجر و مقامات سوریه به تعقیب مسافرت کیسنجر به شرق میانه صورت میگیرد وی درین مسافرت زمینه مذاکره را در واشنگتن مساعد ساخت اما مذاکره به شکل غیر مستقیم یعنی

های عربی راجع به مسایل مربوط نظریات مخالفی موجود است از بر خورد احتمالی بین آنها ، جلوگیری شود . و بالاخره درین کنفرانس راجع به موقف گیری اعراب در آمد .



نمایندگان سوریه و اسرائیل در مذاکرات مقابل هم نخواهند نشست بلکه این امر بصورت جدا گانه با کیسنجر بعمل خواهد آمد .

جلسه مخصوص مجمع عمومی ملل متحد تصامیمی اتخاذ گردید قرار است جلسه مخصوص مجمع

نخست خاموش ساخت و آنگاه عروسی کرد

جوز که ۲۸ سال دارد مرد محافظه کاری است. او به دنبال هر دختری که دامن کوتاه (مینی ژوب) بپوشد نمی دود و از روابط جنسی بشکلی رسوا و افتضاح آمیز امروزی آن سخت متنفر می باشد. او مامور اطفائیه است از مدت ها پیش دختری را دوست میداشت مطابق به رسم و رواج قدیم از وی خواستگاری کرده، رسماً بهم نامزد شدند زمانی به معاشش افزودند به فکر از دواج شد.

روز بزرگ در زندگی جوز فرا رسید. جوز و نامزدش در لباس مخصوص عروسی برای عقد نکاح شان حاضر شدند هر دو به همراهی شاهدان معرفت بعزم رفتن به کلیسا و بمنظور جاری ساختن مراسم نکاح سوار تکسی شدند.

نخست به دفتر مناکحات محل بنام ویکتوریا رفتند. مهمترین قسمت کار رسمی از دواج ترتیب نکاح خط بود، که شروع شد و قاعدتاً ترتیب نکاح خط، ثبت نام و درج شهادت شهود چندان طول نمی کشد ولی خوب این بار زیاد طولانی شد.

تا خیر در تکمیل نکاح نامه و بر هم خوردن مراسم عروسی به اثر بلند شدن صدای زنگنا لخطری که برای اهالی آن منطقه آشنا بود بوجود آمد.

موتورهای اطفائیه به سرعت از خیابان ها گذشته، یکی از آنها به مقابل دفتر مناکحات متوقف شد در یک چشم بهمزدن زوجی که برای ترتیب نکاح خط مراجعه کرده بود نامکمل شد. داماد و یک تن از شهود

از جا تکان نخورد و با حوصله مندی به اتفاقی که روی داده بود می اندیشید. با خود فکر کرد آیا به حال خود بگیرد یا به وجود جوز افتخار کند، به آدمی که در حساسترین مرحله از زندگی زنا شوهری به شیوه بسیار قدیمی وظیفه رابر زندگی شخصی تر جیح داده بود.

اما عروس نسبت به همسر آینده اش اطمینان خاطر داشت. وقتی داماد به دفتر مناکحات پر گشت عروس، آماده بود باو صف مشکلات و ناراحتی هایی که داماد از ناحیه کار خود داشت، با او زندگی کند.

به این ترتیب آنها میعاد جدیدی را برای از دواج شان تعیین کردند.



توزیع تذکره جمهوری

توزیع تذکره در بیست

ویک حوزه داخل شهر

کابل جریان دارد



درین روزها مردم شهر کابل و اطراف آن مصروف گرفتن تذکره جدید جمهوریت اند اگر مامور است همه میخوانند بزودترین یا کارگر و دکاتدار و یا همچنان محصل یا متعلم همه میخوانند بزودترین فرصت تذکره جدید را بگیرند. در حوزه های مختلف شهر کابل که به اساس یک پلان منظم که قبلاً از طرف وزارت داخله تنظیم گردیده اهالی هر محل به ملک یا کلا نثر

گذر خود حاضر گردیده تذکره جدید را اخذ میدارند.

من در یکی از آن حوزه ها که محل کار آنها در مکتبی قرار داشت، رفته از نزدیک مشاهد جریان توزیع و اخذ تذکره جمهوری شدم.

جریان توزیع بسیار جالب بوده کسانی را میدیدم که مصروف کار در مورد تذکره هستند و مردم نیز دسته دسته برای گرفتن تذکره درین حوزه میامدند بطوریکه هیات توزیع تذکره حتی یکدقیقه هم وقت نمی کردند تا در زمينه توزیع تذکره جمهوریت معلوماتی ارائه دارند.

بالاخره بناغلی هدایت الله یا وزیر آمر عمومی حوزه های توزیع تذکره و مدیر احصائیه کابل را میابم که در مورد توزیع تذکره جمهوریت چنین معلومات ارائه میکند.

بتاریخ ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ بنابر صوابدید دولت جمهوری افغانستان از طریق

وزارت داخله در بیست و یک حوزه داخل شهر کابل و «۱۷» حوزه خارج شهر یعنی مربوطات این ولایت مانند ولسوالی ها و علاقه داری ها، کار توزیع تذکره شروع و به فعالیت آغاز نموده که در هر حوزه یک گروپ متشکل از شش نفر و در هر ناحیه از یک الی چهار گروپ نظریه حجم و معیار نفوس آن ناحیه تعیین گردیده است که هر حوزه برای پنج الی ده هزار نفر تذکره توزیع خواهند نمود.

در مورد طرز فعالیت گروپ ها باید گفت که از شش نفریکه در یک گروپ شامل هستند سه تن شان سه نقل اساس را می نویسند یک نفر آنها کارت دیو گرافی یا نفوس شماری را خانه پری نموده، شخصی پنجم تذکره جدید را میدهد و نیز ششمین نفر آنها کتاب اساس سابقه را با تذکره تطبیق کرده و آنرا از روی تذکره جدید معامله می کنند.

بناغلی یاوری در مورد حوزه ها چنین اظهار کرد:

۱ - در ناحیه اول دو گروپ: گروپ اولی در حصه مراد خانی و خیا بان ماموریت سابقه پولیس جاده تیمور شامی و گروپ دوم در لیسه بی بی مهر و که گروپ اولی عهده دار توزیع تذکره های اشخاصیکه در مراد خانی، خیابان کشمش فروشی و غیره گذر های نزدیک مراد خانی قرار دارند می باشند، و گروپ دوم بر سر ای ساکنین شش درک، کارته ولی، یکه توت، بی بی مهر و - سنائی واپ و مربوطات آن تذکره جدید جمهوریت توزیع میدارد.

۲ - ناحیه دوم که حوزه آن مشتمل بر دو گروپ است و در تعمیر مدیریت ناحیه دوم در شهر نو فعالیت دارد بر اشخاصیکه در شهر نو قدیم یعنی چاراهی منك اصغر الی مربوطات - شهر نو به شمول یهودان افغان که



میز مسدود ژوند

تداوی گردد، جدا تداوی گردد. چنین عشق هایی کور کورانه خود را در دام انداختن است و محیط خانواده ای را آماده پذیرش حالات غیر عادی و خصما نسبه ساختن.

پرسشگر: آقای خوشبین به وجود یک انسان سه قوه بصورت مشخص و جود دارد و فعالیت میکند احساس تعقل و اراده و عشق ها با هر تعبیری که شما برای آن دانسته باشید شکلی از تجلی احساس است در وجود یک جوان، این واقعیت هست، خواهد بود و نمیتوان آنرا نادیده انگاشت، لطفاً روی این موضوع که چرا عشق همانچرخه اختلالات خانوادگی دیگر در صحبت نمایید؟

پوهاند خوشبین: اختلاف من و شما در همین است، شما در برداشت نان میگویید، عشق و من آنرا نام می نهم مرض و طبیعی است ازدواجی که اساس آن بر مبنای یک فکر اندیشه مرضی استوار شده باشد ناکام است و در برگیر اختلافات زیاد میان زن و شوهر.

شکریه رعد:

من به تایید نظر پوهاند خوشبین میگویم پیروی صرف از یک احساس که ممکن است یک حالت مرض باشد درست نیست ازجانبی احساس نظر به سن و سال، نظر به شرایط خاصی



تنظیم و نوشته: از مقدسه مخفی و روف راصع

زیر نظر: گروه مشورتی ژوندون

معرفی شویم:

پوهاند دکتور اختر محمد خوشبین، استاد پوهنتون کابل، شکریه رعد: فارغ التحصیل ادبیات و علوم بشری، ژورنالیست مدیر مجله کمیکانو انیس.

محمد هاشم از شادی فارغ از فاکولته حقوق، مدیر ارتباط روزنامه جمهوریت.

تريا پرویز: فارغ از پوهنځی حقوق، قاضی محکمه اطفال، و شایسته نوابی فارغ التحصیل پوهنځی حقوق، قاضی محکمه اطفال. نظارت کنندگان: نجیب الله رحیق ورو ستا باختری

پرسشگر:

دردودور گذشته این میز روی عوامل اساسی تضاد فکری میان دو نسل جوان و پیر بحث صورت گرفت، و نظرات و پیشنهادهای ارائه شد، موضوعی که برای گفتگوی امروز در نظر گرفته شده است علت جوی و راه بایی برای درک و شناخت انگیزه های واقعی اختلافات میان زنان و شوهرانی است که با اساس عشق قبلی با هم از دو اج نموده اند.

سوال اینطور مطرح میگردد:

عشق های قبل از ازدواج چه نقشی در تحکیم روابط خانوادگی دارند؟ اگر این نقشی مثبت است پس عامل حالات ورویه های خصمانه و ستیزه جویانه زنان و شوهران جوانی را که با دعای خودشان با درک، شناخت

و عشق قبلی با هم ازدواج نمود، اند، درجه مواردی باید ارزیابی نمود؟

این اختلافات چرا هست و چگونه از میان بر داشته میشود؟ اکنون صحبت از شما و با داشت از ما پوهاند خوشبین:

تضاد فکری و اندیشه های میان دو نسل همیشه

در خدمت خانواده‌ها

مرآه‌نمایی کنید!

بوده ام چرا بوده ام؟ و اینرا نمی‌خواهید بدانند شوهرش که يك روز تمام بار مشقت های گوناگون را بدوش کشیده است، شام به يك ساعت استراحت و آرامش در يك فضای باصفا و سیمین و دور از جنگال ضرورت دارد و اگر این را بداند لافل فرستی برای استراحت برآید میدهیم پسرند و جواب قناعت بخش هم می‌شود. خانم عزیز من از آیشده کودکش نگران است وای کاش این نگرانی روی تعقل بیشتر استوار باشد. نا احساس سرف و افراطی، او از طلاق، از جدایی و از خودکشی صحبت می‌کند و من می‌گویم چرا؟ به چه دلیل؟ مگر سازش و توافق و تفاهم چه

عینی دارد؟ او می‌پرسد که من عاشق زندگی و طرز پندار های خودم و حال شما بگویند، شما گروه محترم مشورتی وقتی ده سال برای ایجاد تفاهم، برای

درک و شناخت واقعی زن و شوهر از وجود هم دیگر شان کافی نباشد وقتی فکر هالز هم بیگانه باشد و رویه ها خصمانه و ستیزه جویانه وقتی کودکان معصوم هر روز زیر تالکیر جنگ‌های خانوادگی عقده‌تازه بگیرند و با شخصیتی ناسالم از نظر عاطفی و روانی رشد نمایند وقتی هیچ راهی برای از میان برداشتن عوامل اساسی این ناسازگاری رو می‌درمیان نباشد چه باید کرد؟ آیا جدا شدن خویشتن راه و منطقی برین روش نیست؟ و باید در این صورت وقتی کودکان در فضای آزادی قرار گیرند با تربیت بهتر بزرگ خواهند شد؟

بناگذاری و مرین های مشاوره:
من طلاق را خویشتن وسیله تعبیر نمی‌کنم و به همین جهت خواهش دارم از زنی که روز هاست خانه‌ام را ترک نموده و به حالت بی‌پناه مادرش پسر می‌برد دعوت کنید، حرف های من و او را بشنوید و بعد تصمیم خودتان را بگیرید، من هرچه باشد قبولش دارم.

باتشکر و سپاس فراوان
(۱) (۲) (۳) (۴) (۵) (۶) (۷) (۸) (۹) (۱۰) (۱۱) (۱۲) (۱۳) (۱۴) (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸) (۱۹) (۲۰) (۲۱) (۲۲) (۲۳) (۲۴) (۲۵) (۲۶) (۲۷) (۲۸) (۲۹) (۳۰) (۳۱) (۳۲) (۳۳) (۳۴) (۳۵) (۳۶) (۳۷) (۳۸) (۳۹) (۴۰) (۴۱) (۴۲) (۴۳) (۴۴) (۴۵) (۴۶) (۴۷) (۴۸) (۴۹) (۵۰) (۵۱) (۵۲) (۵۳) (۵۴) (۵۵) (۵۶) (۵۷) (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰)

حیات محترم مشورتی زوندون!

من شوهر همان خانمی هستم که نامه اش را هفته گذشته در مجله تان نشر نمودید. از شما هم بخاطر صفحات آموزنده بخش خانودگی تان و هم بخاطر نشر نامه

يك دستگاه مجهز تقطير چرس

...فكر نمودند كه :

از استحصـال چرس مایع و فروش آن در بازارهای
خارج پول زیادی بدست می آرند اما این
مفکوره آنها خواب و خیالی بیش نبود.

.....

پولیس نظر به اطلاع قبلی خانه
میر حمید الله واقع میرویس میدان
را تحت تلاشی قرار میدهد و در
نتیجه آن يك دستگاه مجهز تقطیر
چرس مایع را با بیشتر از يك
يك منبع قوماندانی عمو می
ژاندرام و پولیس وزارت داخله

ضمن توضیح این مطلب گفت ، همکار و شریک آنها بود فروخته
«وقعیکه» میر حمیدالله مالك منزل اند ، اسمعیل به نوبه خویش مدتی
تحت تحقیق گرفته شد وی به جرم از این دستگاه استفاده نموده و بعدا
خویش که بالفعل از طرف پولیس آنرا بالای همکار دیگر شان که وی
گرفتار شده بود اعتراف نموده و هم با توریست های مالك اصلی
فرصتیکه از وی پرسیده شد که دستگاه زمانی همکاری داشته است
این دستگاه را چطور و از کجا بدست و بنام عبدالروف یاد میشود به
آورده است چنین اظهار نمود . پول گزافی به فروش رسانیده .

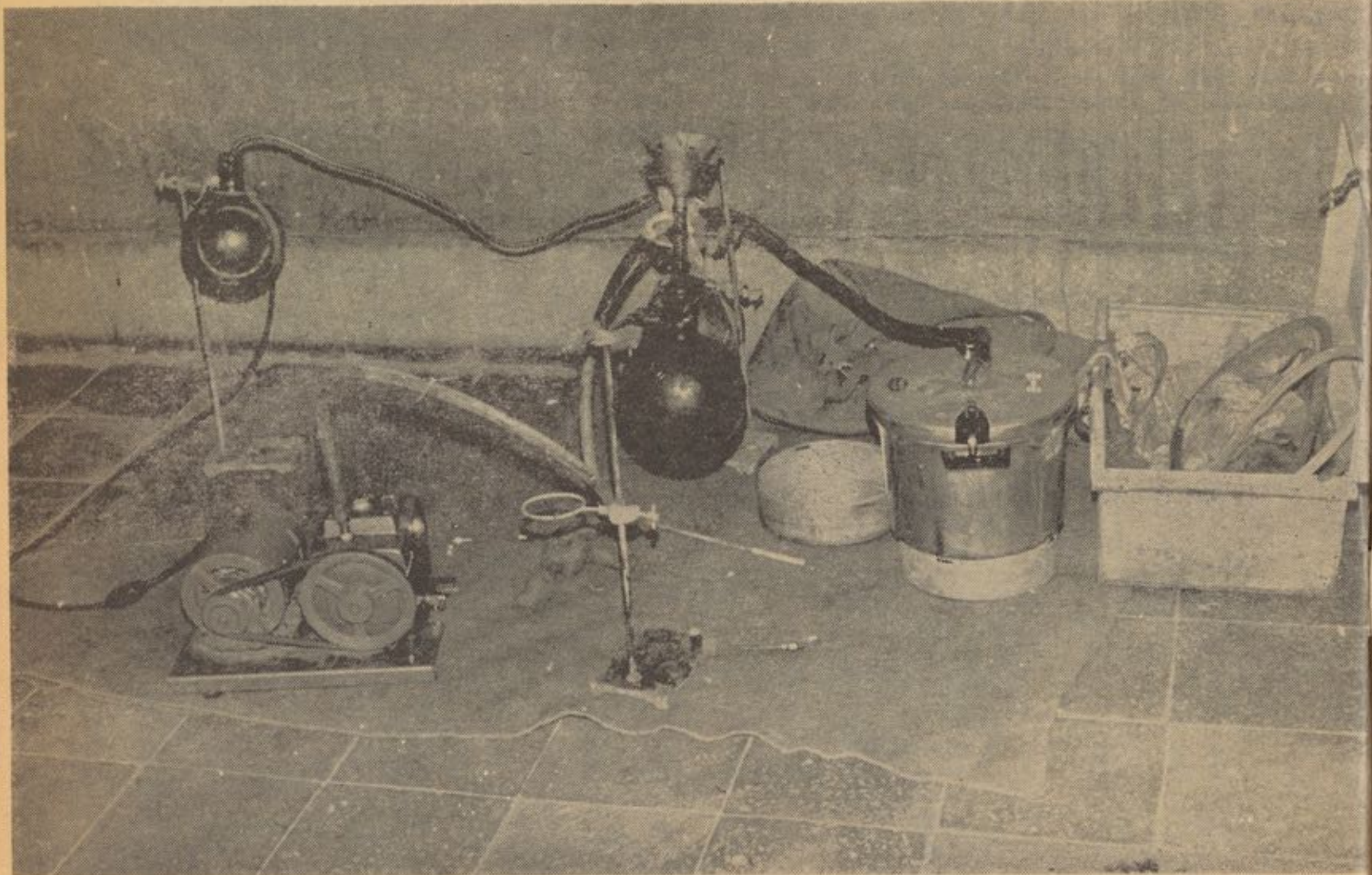
این دستگاه اصلا توسط دو نفر
توریست که یکی آن تبعه کانادا و
دیگران امریکایی بود مدت ها
پیش به کابل آورده شده و آن دو نفر
در نقاط مختلف مدت ها چرس
مایع توسط این دستگاه استحصـال
نموده اند توریست های مذکور
زمانیکه به کشور شان میرفتند
دستگاه را بالای اسمعیل که از جمله
پولیس علاوه نمود ، زما نیکه
عبدالروف تحت تحقیق گرفته شد
وی اظهارات میرحمید الله را تأیید
نموده و به جرم دست داشتن در
استحصـال و تقطیر چرس مایع
و اینکه قبلا با دو نفر توریست ها
و همکاری داشته اعتراف
مینماید .



میر حمید الله طرف چسپ و عبدالروف در پهلوی آن هنگام استحصـال چرس مایع

سایع بدست پولیس افتاد

عبدالروف که این دستگاه را از در کتمان راز خویش سعی نمایند که به پول هنگفتی در بازار های نمود .
 اسمعیل خریده بود . بالاخره به چنگ قانون گرفتار می خارج بفروش میرسد از نظر عبدلروف ولد عبدالغفور ساکن
 پس از مدتی آنرا برای میر شود و سزای اعمال شوم شا ترا متهمین بهترین مدرک عاید برای گذرگاه چهاردهی میر، حمیدالله
 حمیدالله که میخواست از این می چشند . آنها بوده ، ولی این مفکوره شان ولد میرامان الله ساکن میرویس
 دستگاه استفاده کند تسلیم مینماید نظربه گفته پولیس مجرمین می رویایی بود که به آن نایل نشدند میدان، محمد اسمعیل و لد زالی
 این دو نفر مشترکا آرزو داشتند تا خواستند دستگاه را به گذرگاه و در عوض آن باغ های رنگارنگ ساکن قلعه غیبی چهاردهی . پولیس
 در موقع مناسبی دستگاه را به محل چهاردهی انتقال بدهند ولی قبل خیالی شان اکنون در سلول های سعی مینماید تا همدستان دیگر این
 محفوظ تری انتقال بدهند و در آنجا تاریک زندان سزای اعمال شا ترا مجرمین را هر چه زود تر بدست
 با خاطر آسوده به استحصال بالفعل با دستگاه شان بدست پولیس خواهند چشید . آورده به چنگ قانون بسپارد .
 جرسین بردارند ، بی خبر از اینکه می افتند . پولیس آنها را که به اتهام
 اینگونه مجرمین هر قدری هم که پولیس افزود : جرسین سایع این جرم دستگیر نموده چنین معرفی



این دستگاه مجهز که ساخت ایالات متحده امریکا میباشد توسط دوفور تور یست به کابل آورده شد.

تجلیل روز نهالستان

د وکتور حیدر رئیس پوهنتون از تصاص میم و اقدامات نیک نظام جمهوری یسان کرده و نیروی فعال جوانان را در جامعه موثر خواند بعداً ضمن یک سلسله بیانات خود افزود : افغانستان مملکت عزیز ما به مفهوم معنوی و مادی در غرس نهال های مثمر و غیر مثمر ضرورت تام دارد ، بر جوانان و منورین این وطن است که برای سر بسری و شادابی این مملکت تبلیغ کرده ، مانند سایر جوانان دیگر ممالک دنیا مستقیماً در کار زرع و غرس نهالها سهیم شوند .

حالا که شرایط از هر طرف برای آبادی کشور عزیز ما مهیا است باید همه کوشید ، و با لخصه ص طبقه جوانان و منورین که عنصر فعال یک جامعه را تشکیل میدهند ، در سیر آبادی کشور اشتراک کرده یک عضو فعال جامعه را تشکیل

گوید : ها ... کمی بیشتر بروید پیشروی پوهنخی فارمسی در تعمیر جدید پوهنتون ! همانجاس ... از شخص نا شناس تشکر کرده دور میشوم لحظه ها بتندی می گذرد ... فاصله کمی را قدم زنان طی کرده ام ، که صدای هلهله و شادی پاکف زدن ها بگو شم میرسد .

میبینم گروه کثیری از مردمان عادی با استادان ، محصولات و محصولات پوهنتون و دهاقینی که بیل های را برای غرس کردن نهال ها بدست دارند دیده میشوند . گروه نشسته و گروه دیگر اساده شکل یک نیم دایره را تشکیل داده ، دستها و یا کتابچه های خویش را به مقابل شعاع سوزنده آفتاب سایه بان ساخته اند اما همه ، به بیانات رئیس پوهنتون سرا پا گوش میدهند ، من هم خود را به جمع حاضرین میپیوندم بعد از لحظه نیا غلی پوهاند

بقسم تبلیغ در قسمت سر سبزی و شادابی سهیم بودن همه ملت عزیز ما درین قسمت ارائه نمودند به این سبب خواستم از این روز باستانی که برای اولین دفعه در پوهنتون کابل تجلیل میگردد ، راپوری برای خواننده گان محترم مجله ژوندون تهیه کنم .

در ایستگاه پوهنتون از سرویس پیاده میشوم به ساعت خود میبینم دیر شده ، کمی ناوقتتر رسیده ام چهار طرف خود را برانداز میکنم که آرام وآرا نیست ، هیچ سر و صدای بگو شم نمیرسد آدم ناشناسی از دور بطرقم می آید ... همین که به نزدیکم میرسد میبوسم :

بخشید ... پوهنتون روز نهال شانی را در کجا تجلیل میکند ؟ لحظه با نگاه های کنجکاوانه خود بر اندازم میکند ، بعداً می

بهار امسال اولین بهاریست که ملت ما با سرور واقعی خویش در پرتو نظام نوین جمهوری با مراسم عنعنوی اش ، به شکل بهتر از سالیان گذشته تجلیل میکنند ، و میله های بااری را به اشکال مختلف آن با سرور شادمانی برپا میدارند . از جمله میله های بهاری یکی هم میله نهالستان نیست که در اوایل بهار این میله باستانی را هموطنان عزیز ما جشن میگیرند و برای سر سبزی و شادابی مملکت یکمقدار نهالهای مثمر و غیر مثمر را غرس میکنند که البته این سر سبزی و شادابی در قسمت آب و هوا محیط ما حول تاثیر عمیقی دارد ...

به همین منظور پوهنتون کابل که مرکز علم و دانش است ، روز نهالستانی را تجلیل کرده یک سلسله مقالات و خطابه های رئیس پوهنتون و استادان پوهنتون



شی در پوهنتون

بدهند .

در اخیر ریسن پوهنتون ... (پروزی جمهوریت جوان - طول عمر رئیس دولت و متحد بودن جوانان وطن پرست را استدعا نمود.

بعد از غرس اولین نهال که توسط رئیس پوهنتون و استادان همراه با محصلین صورت گرفت ، خود را به مدیر حفظ و مراقبت پوهنتون معرفی کرده در زمینه از او معلومات خواستم.

خود را انجنیر عبدا لپاقي احمدی استاد پوهنځي انجنیري و مدیر حفظ مراقبت پوهنتون را معرفی میکند .

بعدا بجواب او لیکن بر ششم میگوید :

- این اولین دفعه آیمت که پوهنتون کابل روز نها لسانی را تجلیل کرده و به اساس ما سترپلان عمومی ساحه پوهنتون در حصصی که تعمیرات آن تکمیل شده است ، و از زیبای اشجار بی بهره مانده اقدام

بغرس یکتعداد نهالهای مثمر و غیره مثمر که سر سبزی و شا دابی پوهنتون را به میان آورد . نموده است میسر سم :

- تعداد نهالهای که برای غرس کردن در محیط پوهنتون تهیه شده چقدر و آیا اینها مثمر اند یا خیر؟

- کمی به فکر رفته بعدا باقیافه که نمایانگر بر کار بودن و زحمت کشید نشن را میکند ، میگوید :

- گر چه ما میخواستیم تعداد نهالها زیاد تر باشد ولسی وزارت زراعت و آبیاری نهالهای درخواستی ما را به دسترس ما گذاشته

نتوانست . و همچنان این تعداد نهال کافی نبود ، ازین لحاظ به

جستجوی تعداد بیشتر نهالها شدیم که بر علاوه نهالهای وزارت زراعت و آبیاری به تعداد (۱۲۰۰) نهال از ساحه های مربوط پوهنتون و فارم دارالامان تهیه گردید .

نهالهای موجوده متشکل از نهال

های مثمر و غیر مثمر اند ما نشد پنبیلکراز - اکاسی - آلو - آلو با لو پشه خانه - ناک - بید خارجی - المنخ - موربانک - خیار - چمبیلی و غیره ...

نا گفته نماند که بتعداد (۲۰۰۰) نهال بید بطور قلمه تو سط عملیه حفظ و مراقبت پوهنتون در ساحه عقب لیلیه پوهنتون غرس گردیده است . که به این ترتیب مجموع نهال های که برای غرس کردن تهیه شده به (۳۷۰۰) نهال میرسد و در مواضع ذیل غرس میگردند: در اطراف کتابخانه عمومی پوهنتون .

- در اطراف تعمیر جدید (پوهنځي طب ، اقتصاد ، ادبیات و علوم بشری در ساحه کناره سمت جنوبی پوهنتون .

- در ساحه کافه تریا .
- در ساحه لیلیه پوهنتون .
- در ساحه اطراف پوهنځي

انجنیري .

- در ساحه پیشروی مدیر یست نشرات .

بعدا می افزاید : فعلا در ساحه های باقی مانده پوهنتون امکان غرس نهال موجود نبوده چون روشن نیست که درآینده چه نوع و بچه شکل تعمیرات ساخته میشود . اما باز هم امید داریم که ماستر پلان پوهنتون تکمیل و تطبیق گردد تا در زمینه اقدام مفید و مو ثری واقع گردد .

فکر میکنم

کوت. دلچسپ. خواندنی

تمپه و ترتیب از حقیقه عمر

نوازندگان شش ساله



در یکی از کود کستنا نه‌ای آذر با یجان شوروی ، ارکستری مشغول فعالیت است که نوازندگان آنرا کود کان شش ساله تشکیل می دهد . آنها آهنگ ها و ترانه های ملی مثل شوروی را با مهارت اجرا می کنند ، جالب اینکه رهبر ارکستر نیز از جمله کود کانست که بیش از شش سال ندارد .

خوانندگان ژوندون طی نامه ها از ما خواسته اند که متصدی این

صفحه را با عکسش به آنها معرفی بداریم .

خوانندگان عزیز!

صفحه کو تاه، دلچسپ، خواندنی را از مدت پنج ماه به اینسلف پیغله حقیقه عمر محصل صنف دوم پوهنځی ادبیات و علوم بشری برای ما تمپه میکنند.



چانس خوب

آقای (جان دین) اهل امریکا، یک روز بخاطر یکه از دست پر حرفی و یا وه گوئی های مادر زنش نجات یابد ، تصمیم گرفت او را به بهانه تفریح بالای یکی از خطوط آهن محل برده وقتی آنجا رسید با زحمت زیاد او را بالای یکی از خطوط بست و خودش کمی دور تر به انتظار قطار نشست تا با آمدن قطار به حیاتش خاتمه داده شود .



متاسفانه که آنروز آقای جان دین هر قدر انتظار کشید قطار نیامد بدین وسیله مادر زن آقای (جان دین) چانس آورد و از مرگ نجات یافت .

فردای آنروز وقتی آوازه در محل افتاد یک تعداد زیاد کسانی که از دست مادر زنهای خود رنج و شکایتی داشتند ، به دفتر قطار آهن مکاتبی فرستادند و پرآن از خرابی و بی نظمی قطار در آنروز شکایت کردند .

مردی شماره یک



آقای (ما یک میلن) که اهل شیکاگو واقع در امریکا است در بین قمار بازان معروف به (مرد شماره یک) معروف است .

میگویند آقای (مایک) قمار باز خوش چانسیت که صدی ۹۹ می برد و ازین راه پول سر شاری به دست آورده .

ولی درین اواخر او کمتر سرمیز قمار می نشیند زیرا کمتر کسی حاضر می شود با او قمار بزند و

اگر کسی هم بخواهد این کار را بکند ، بهتر آنست که پولهایش را پیش از شروع قمار به او تسلیم کند ، بخاطر اینکه او مرد شماره یک در قمار باز است و بیشتر از دیگران چانس دارد .

عکس جالب:





بهار ابرو

درخت غنچه بر آورد و بلبان مستند

ترانه ارغوان

گواه

توتا نگاه میکنی
قشنگی ترا گواه میشوم
...
من از طرواتی که خفته روی بستر صدای تو
به صبح پاک و روشن بهار قصه گفته ام
بیاعزیز من بخند
چه خوب و دلپذیر خنده میکنی
بیانکه من به زیر حجم دردها و درد ها،
تبا میشوم

ز آفتاب قصه میکنم
نگاه تو، سپید من!
توتا نگاه میکنی
من آفتابم شوم
...

نگاه کن، نگاه کن برین
مرا ز من - جدا بساز
که من به خویشتن جو می رسم
ز حمله هزار غصه سیاه
به رنگ شب سیاه میشوم
سیاه میشوم
(رفعت حسینی)

نگهی و آرزویی
عرفی بزرگ رویی
هوسی بشر مینهان
نم باده ا ز سبویی
بزم ارغوان نو شکفته دلکشا ست
شاخ ارغوان تر چویار دلرباست
...

تن ارغوان زیبا
به بنفشه گونه دیبا
چونگار عشق پرور
جو عروس شهر رویا
در نشیب کوهها و بیشه ها و باغها
جلوه گر جودر هوای شامها چراغها
...

سحری به سر گرانی
تو که فتنه جهانی
بکنار ارغوان شو
بلیاس ارغوانی
رنگ ارغوان شو د جمیل تر تو
ارغوان تازه را ببخش رنگو بو
از: «آینه»

جوش گل

گل بجوش آمد و مرغان بغرزش از همه سوی
مگر به ابرسیه، خیمه نگردشت بدشت
زاله بر لاله فرومی چکد از دامن ابر
تازه کن عهد کهن باصنم باده فروش
(فروغی بسطامی)

قامت خوبان

نی اقامت آهنگم، نی سیاحتی دارم
دوشلق تماشا نیست فکرت از لب زلفش
اشک پر نمک دایم دلغراش میریزد
فکر قامت خوبان درد لست پیوسته
سوز سینه مشکل ساخت ربط ناله موزون
پای گیر هستی هانگی محیط آمد
پای ماندگی هارا ترک جستجو گفتم
فطرتم تپش سازا ست همچو سیم صفا دایم
در ادای این مضمون خوش فصاحتی دارم
(استاد صفا)

ونوس

بیکر صاف و نیمه عربانش
بود زیبا بسان چشمه نور
ایستاده کنار استخری
میدر خمید چون بلور در دور
...

کاکل قد بقد کشیده او
مار پرورده آب را می ماند
زلف افتاده دور دور رخسار
سایه آفتاب را می ماند
...

روی شنهای نرم غلتیده
لحظه غسل آفتاب نمود
باز مانند ماهی بی تاب
شوخی کرد و قصد آب نمود
...

بود زیبا بسان چشمه نور
بیکر صاف

کتاب فروش دیوانه

... هان مخصوصا همان آدم
لاغر جالب بود.

... هان جالب است جالب است
همه چیز جالب است.

میگفتند این کتابفروش یکروز
دیوانه شده نیمه شب کتابهایش را
گرفته و از شهرش فرار کرده و آمده
آنجا و از همان وقت تنهای تنهاست.

یکروز من دم دکانش ایستادم با
تعجب بمن نگریست چشمانش را
بزرگ کوچک کرد و باناباوری گفت:
... تو کتاب میخوری؟

... ها.

از جایش برخاست سوی قفسه ی
کتابها رفت من سرم را پیش بردم

بادقت و کنجکاوی درون دکانش را
دیدم بسیا منظم بوده همه دیوارها

پرازقفسه ها بود و قفسه ها پراز کتابها
کتابهای بزرگ کتابهای کوچک.

زیر یکی از قفسه ها تصویری آویخته
شده بود دورادور تصویر با دقت

بریده شده بود تصویر مضحکی بود
موجودی شبیه انسان، چار زانو

نشسته بود و دستش را روی دوزانو
گرفته بود گوشهایش بزرگ بزرگ

بود مثل دوحلقه بزرگ گردنش را یک
طرف کج کرده بود دهانش تابین

گوشش باز بود زبانش را برون آورده
بود مثل اینکه قهقه می خندید

چشمانش گرد گرد بود. تصویر
رنگ سبز داشت. کتابفروش تازی

در گردن آن انداخته بود و آنرا حلق
آویز کرده بود. تصویر همیشه

همانطور چارزانوزده درهوادراهمزاز
بود. بالای قفسه تصویر دگری بود

قاب شده. تصویر مرد میانه سالی
که پیشانی بزرگ و چهره استخوانی

داشت چشمانش دورها را میدید لب
هایش بهم چسپیده بود راست

نشسته بود مثل اینکه از سالهای
سال همانطور خشک شده بود.

دورتر روی یکی از قفسه ها مجسمه
سنگی سپیدی بود تنها سر یک مرد

مرد موهای دراز پرشکن داشت
موهایش روی شانههایش افتاده بود

چشمان مجسمه ذرها را میدید لب

اینجا و آنجا میچاله های کتابهایش را
میافت در دامنش میانداخت بدکانش.

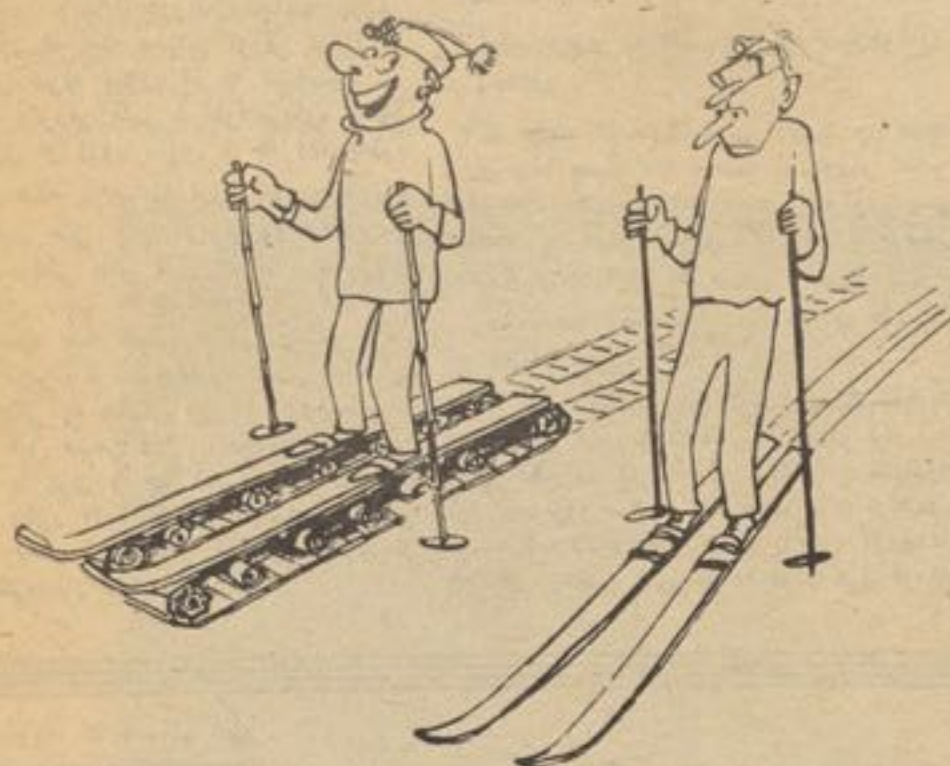
همه کتابهای میچاله شده و پاره
شده را روی میز توده میکرد پشت

میز مینشست موهایش را چنگ میزد
و میکشید او هو او هو میگریست.

اشکهایش از کنار چشمهایش
می غلتیدند.



بدون شرح



بدون شرح

از: امیر (فروغ) محصل انجیری
مربع ساین جمع کوساین مساوی بیک
نامه شاعر، سا نیتیت به معشوقه اش

سلام از من که هستم بنده شاعر
به کار سیانس باشم نیز ما هر
بتوای خوب خو بان یار دلخواه
بگردان (سا یں) قلبت بامن همراه
نمی دانی چه سازم من زاین (ساین)
ز قلب خود بگیرم بنده (کوسا یں)
مربع ساین قلبت بمن بسازم
کنم شادی، به عقل خود بناسازم
سپس اکوساین قلب من شود هم
مربع، زین جهت بیجا مغور غم
وبعدش می کنم من جمع، این دو
اگر دانی جوابش را بمن آگو
همی دانم که گوئی شادو خندان
جواب این معما است آسان
بگردد (یک) جواب این معما
تمودی شاد قلبم یار دانا
بگویم آری ای دلبر چنین است
که کار عاشقی را رسم این است
همی خواهم به معنی یک بگردیم
چه فرقی گرفتن خود، دو بینیم
نداری اگر قناعت بر جو ابرم
مکن اخم و مکن بیجا عذا برم
بسوی (المثلث) تند بشتاب
زانجا خود جواب خویش دریاب
صفحه ۳۷

وعکاس نیز که معلوم میشد سخت
عصبانی است و از اینکه نتوانسته
مطابق میلش عکس بر دارد ناراضی.
دوسه مرتبه عکسهای کامل و نیم رخ
از حیوان گرفت و از آنجا دور شد.
متصدی باغ وحش میگفت این
حیوان در مقابل همه کمره ها قرار
می گیرد ولی از کمره های بزرگ
عکاس بدش می آید. شاید هم
از شهرت بدش می آید. چون اگر
عکس بگیرد.



داکتر: فعلا داکتر صاحب تشریف ندارند.



بدون شرح

شماره دوم

باب هوپ هنوز مردم را می‌خنداند



را از عقب ایشان پر تاپ نمود و اما بد بختانه هیو پرت با معمری معاون ریاست جمهوری هنوز در بوت ها فرار داشت.

باب هوپ از قد بلند و منطق برنده و محکم جنرال دو کول، برای مطالب نمیدی خود استعاده مینمود زمانی بعد اریدی از تعلق های انشین جنرال دو کول، باب هوپ به مردم اطلاع داد که برای جنرال یک تخته چوبی بزرگی فرستاده با زبان خود را ماساژ بدهد.

باب هوپ مدت ها کو شید تا رادیو را تسخیر کند، او که کمیدی استیژ بود، برای مدت هانمیتوانست فقط با اواز مردم را بخنداند، ولی بالاخره موفق گردید. اودر هالیوود نیز راه یافت و تلو یز یون را نیز مجبور نمود تا برایش موقع هنرنمایی بدهند.

از فلم های مشهور وی که باوجود وطنی بودن و محلی بودن آن قلب مردم دنیا را تسخیر کرده است راه هانگکنگ، برای خاطرات تشکر و راهی بطرف یو تو پیا است که تنها فلم راه هانگ کانگ برایش پنجاه ملیون دالر کمایی نمود.

اگر چه باب هوپ شصت و چهار سال دارد ولی هرگز به این فکر نیست که از کارش دست بکشد، بنابر عقیده دخترش نورا مردم را به آینده امید وار کردن و آن هارا آرامش بخشیدن مذهب باب هوپ را تشکیل میدهد. او به نیکی طبیعی انسان عقیده راسخ دارد.

باب هوپ راجع به یکی ازدوستان بسیار نزدیکش، که وی را بادختری که بعد ها باوی از دواج نمود، میگوید: اگر چه وی مرا به خانم آینده ام معرفی نمود و طوق از دواج را به گردنم انداخت، ولی من هنوز این رفیق خود را دوست دارم. باب هوپ و خانم نمشی اگر چه طفلی ندارند، ولی دو دختر و دو پسر را از طفلی به فرزند قبول نموده اند. ازدواج باب هوپ بر خلاف اکثر ازواج های هنر مندان ثابت باقی مانده است.

باب هوپ در سال ۱۹۰۳ در یکی

کانگرس ایالات متحده بوی اعطا کرد، اظهار داشته بود که باب هوپ بهترین سفیر حسن نیت آن کشور در ممالک خارجی می باشد.

باب هوپ زیاد علاقه دارد شخصیت های مشهور دنیا را در مطالب ظریفانه خود مورد انتقاد قرار بدهد ولی مطالب خود را بقدری با دقت انتخاب میکند و پرورش میدهد که (طرف) اگر چه مورد انتقاد قرار گرفته رنجشی به دل نمیگیرد. مردم به صفای نیت و پاکی قلب اش ایمان دارند.

او حتی فا میل رئیس جمهور اسبق ایالات متحده، جانسن را نیز بی گزند نگذاشته است.

زمانیکه دختر جانسن از دواج نمود، باب هوپ در پرو گرامی به مردم اطلاع داد که جانسن از اینکه دختر خود را «از سرش تیر کده» بسیار راضی است و زمانیکه دختر جانسن با شوهرش قصر سفید را ترک میگفتند، یک جوره بوت کهنه

او هر جا که قدم گذاشته، توانسته است با کلمات و حرکات خاص خودش مردم را بخنده وادارد. کاهسی ظرافت های او بقدری بجا و پر مطلب و آنی است که خودش را نیز به تعجب و ا می دارد.

در کار های هنری باب هوپ اصالتی عمیق پنهان است، او همیشه کو شیده است ظرافت ها و طنز هایش جنبه محلی و وطنی داشته باشد تا بر قلب تماشاچی نفوذ کند.

